

## جشن فروردین و سبب پیدایش آن

### ورابطه آن با جهان فروری<sup>۱</sup>



بقلم دکتر بهرام فره‌وشی

#### نخستین آفرینش :

بنابر عقیده ایرانیان باستان ، اهورا مزدا نخست جهان را بصورت مثال « ideé » آفرید و پیش از بوجود آوردن جهان مادی یک جهان مینوی پدید آورد و مثال و تصور کامل و تمامی از جهان استدراک کرد و گوهر مینوی و متعالی آنها را از گوهر خویش و با تجلی خویش به هستی در آورد . خود اهورا نیز از همین گوهر است و بنوعی وابسته و پیوسته باین مینو و تصور خالقه است و همبستگی خالق و مخلوق یک همبستگی متقابل است و نسبت خالق به مخلوق همانند نسبت مرکز دایره است به محیط دایره و یک رابطه جنسیت عالم مینوی و موجودات مینوی را به اهورا مزدا می پیوندد . این عالم مثالی در اصطلاح اوستائی جهان فروشی Fravashi و در پهلوی جهان فروهر Fravahr یا جهان فرور Fravar نام دارد .

بنابر جهان‌شناسی ایرانی ، اهورا مزدا باتفاق شش امشاسپند یا جاودانیان مقدس در جهان مینو ، اداره جهان را بدست دارد و خود اهورا در رأس این شش فرشته بزرگ قرار دارد و با آنها یک مجموعه هفت‌تنی را تشکیل میدهد که در عین کثرت و وحدتی را بوجود می آورند . پس از امشاسپندان مقام یزت‌ها یا یزدان والاترا همه است و خود امشاسپندان نیز جزو این یزت‌ها هستند ، سپس مقام فروشی‌ها یا مینوهای نگهبان است . عده اینان آنقدر زیاد است که بقول هرودوت آسمان دنیای ایرانی پر از فرشته است . باینکه فرورها

۱ - جهان فروری برای دنیای مثالی برگزیده شده است .

خود دسته‌ای جداگانه هستند. هریک از امشاسپندان و یزت‌ها و حتی خود اهورا نیز دارای فرور هستند. شش امشاسپند با آنکه آفریده اهورا هستند، گاه با خود اهورا برابری می‌کنند و در نظم و سامان جهان اهورا را یار و یاورند.

این شش امشاسپند چنین‌اند: بهمن، اردی‌بهشت، شهریور، سپندرمت، خرداد، مرداد. اینان که در دوران ساسانی تشخیص یافته‌اند و برخی از آنها مانند خرداد و مرداد بصورت هاروت و ماروت به ادیان دیگر نیز رفته‌اند در اصل صفات مجردی هستند و چون میدانیم که اینان نخستین پدیده‌های اهورا هستند میتوان گفت که در واقع صفات خود اهورا هستند که بصورت سمبول در آمده‌اند و وی را یاری می‌کنند و باین ترتیب کثرتی که در مجموعه هفتگانه وجود دارد در اصل به خود اهورا بازمی‌گردد و واحدی میشود که شش صفت از خود متجلی و صادر کرده‌است.

### جهان هستی

در سنت ایرانی عمر جهان دوازده هزار سال است و تصور میشود که این عدد ۱۲ از بروج دوازدهگانه پدید آمده‌است. این دوازده هزار سال که عمر جهان است زمان کرانه مند نام دارد که خود قسمتی است از زمان بیکرانه. این دوره دوازده هزارساله با فراشکرت یا تجدید خلقت بسته میشود و دوره‌ای دیگر شروع میشود و پایان آن گویا بستگی به یک واقعه کیهانی دارد و این دوره آنگاه پایان می‌یابد که ستارگان راه معینی را به پیمایند و به «خمی دور دست» برسند.

این دوره ۱۲ هزارساله هستی به چهار دوره سه هزارساله تقسیم می‌شود. در سه هزارسال نخستین، عالم هستی فقط یک عالم متعالی است که در آن مثال همه موجودات بصورت فروشی یا فرور پدیدار میشوند. در مدت این سه هزارسال جهان در سکون مطلق است. ماه، ستاره، خورشید، انسان، آب، گیاه، حیوان و فضای فروغی پایان وجود دارد ولی بصورت مثالی و همه ساکن‌اند. آنچه که باین عالم ساکن روح و حرکت می‌بخشد، نیرویی از تجلیات خود اهورا است و بنابر فروردین‌یشت این نیرو فروشی است. بتوسط این

نیرو جهان دریک آن بحرکت و جنبش می افتد . درنه هزارسال بعدی این جهان فروری به جهان مادی تبدیل میشود بدینسان که فرورها دریک فاصله زمانی و کیهانی معین به پیکر مادی درمی آیند و بقول نویسنده انجیل « دیاتسرون » کلمه گوشتمند میگردد .

بنابر کتاب بندهشن ، هرمزد پیش از خلق بشر به فرورها که مدت زمانی با خود او در جهان مینو میزیستند گفت که یا جاودانه در جهان مینو باقی بمانند و یا برای جنگ با اهریمن به پیکر مادی در آیند و جهان مادی فرود آیند و فرورها پذیرفتند که جهان مادی فرود آیند و با بدی ها بجنگند و حافظ و نگهبان صورت جسمانی خود در زمین باشند . از اینرو وظیفه فرور در زمین جنگجویی برای پشتیبانی از نیکی و از میان بردن پلیدی و بدی است و معنی کلمه فرور نیز چنانکه خواهد آمد مین همین وظیفه آنهاست و بقول « لومل » اینان همزادان انسان هستند که در ابتدای زمان بمیل خویش پذیرفته اند که در جنگ کیهانی علیه اهریمن شرکت کنند .

### پیوستگی آفرینش با فرور

بنابر عقیده زروانیان که در مورد خلقت با اندک تفاوتی با مزدپرستان همدستان اند . زروان بی کرانه پس از آنکه مدت ها از عدم خلق و زایش خود آزرده بود به هرمزد بارور میگردد ، ولی چون در زایش هرمزد درنگی روی میدهد در دل مادر شک و تردید پدیدار میشود و همین شک موجب ایجاد اهریمن در بطن مادر میشود و زروان بیکرانه که میخواست موجودی خوب پدید آورد ، دارای دو فرزند میشود و با « آسن خرد » یا خرد فطری درمی یابد که یکی از آنها نیک است و منشاء خیر خواهد بود و دیگری بد است و سرچشمه بدیها خواهد گشت ، ولی چون هر دو فرزند وی هستند نمی خواهد منشاء بدی را نابود سازد ، از اینرو پیش خود می اندیشد که فرمانروائی جهان را به فرزندی که زودتر از شکم مادر بیرون آید بسپارد . فرزند بد یا اهریمن اندیشه مادر را درمی یابد و از درون شکم مادر بیرون می شتابد . مادر پریشان میگردد زیرا نیت اصلی او آن بوده است که فرزندی خوب و زیبا بیافریند و فرمانروائی جهان را بدو بسپارد . از اینرو می اندیشد و مقدر می کند که



لوح سیمین لرستان متعلق به سده‌های ۷-۸ پیش از میلاد که اکنون در موزه سینسیناتی نگه‌داری می‌شود .  
در این نقش خدای زروان اورمزد و اهریمن را بوجود می‌آورد .

فرمانروائی جهان سه هزار سال در دست اورمزد باشد ، سه هزار سال در دست اهریمن و در آخر اورمزد پیروز شود . اما اورمزد برای پیروشدن بر اهریمن به یاری فرورها و با حلول آنها در جسم مادی ، انسان را خلق می کند تا وسیله پیروزی او باشند و اهریمن نیز دیوان و موجودات اهریمنی را می آفریند تا انسان را بفریبند . بنابراین جنگ نیکی و بدی از ابتدای خلقت تکوین میشود و هدف خلقت مادی پیشرفت نیکی و پیروزی خیر بر شر است که از ازل مقدر شده است .

در ادبیات پهلوی و در اندرزنامه ها وظیفه اصلی انسان و منظور از آفرینش او بارها تکرار شده است . دنیا عرصه جنگ و کشمکش موجودات ایزدی و اهریمنی است و هر دسته سعی میکنند تا با وسایل خود بر انسان چیره شود . سپاه این یک نیکی و صفات خوب است و سپاه آن دیگری بدی و حرص و شهوت است . انسانی که کار ناشایستی می کند دیوی را در خانه تن خود مهان می کند و وقتی که کار نیکی می کند و با اصطلاح کرفته ای انجام می دهد دیوی را از تن خویش بیرون می راند تا جائی برای ایزدی باز کند « دیو چو بیرون رود فرشته در آید » .

در کتاب ششم دینکرت این اندیشه چنین خلاصه گشته است « آتورپات را گویند که گفت هر کس نباید دانستن که از کجا آمده ام برای چه آمده ام و باز بکجا شوم . من از بهر خویش دانم ، که از هر مزد خدای آمده ام و بی تخشا کردن (بی اثر کردن) دیو دروغ را ایدرم و باز به هر مزد شوم » .

### مراحل ششگانه آفرینش

همانطور که در ادیان سامی خداوند مخلوق را در شش روز می آفریند ، در ایران کهن نیز اهورا هنگامیکه با آفرینش جهان مادی از روی جهان فروری می پردازد آنرا در شش بار یا در شش گهنبار می آفریند . در گهنبار میدیوزرم یعنی در روز چهل و پنجم سال آسمان را می آفریند . در گهنبار میدیوشم در صد و پنجمین روز سال آب را می آفریند . در پتیه شهم در صد و هشتادمین روز سال زمین را بوجود می آورد ، در ایاسریم در دویست و

دهمین روز سال گیاه را خلق می‌کند، در گهنبار میدیارم در دویست و نودمین روز سال جانوران را ایجاد می‌کند و سرانجام در گهنبار همسپدم یعنی در سیصد و شصتیمین روز سال انسان را می‌آفریند.

بنابراین سنت، آفرینش انسان در روزهای آخر ماه اسفند واقع گشته و مثال‌های انسان در عالم مینوی در این موقع سال بر زمین آمده و به پیکرمادی در آمده‌اند و روزهای نخست از فروردین ماه مخصوص آنهاست و ازینرو نخستین ماه سال بنام آنها فروردین نامیده میشود. واژه فروردین یا فرورتن Fravartên پهلوئی مرکب است از fravart باضافهٔ پسوند اتصاف en یعنی منسوب به فرور.

### ریشهٔ واژهٔ فرور

باین واژه نخستین بار در تاریخ ماد و سپس در کتیبه‌های فارسی باستان داریوش شاه برمیخوریم. فرورتی در تاریخ ماد یکی از پادشاهان ماد است که مورخان یونانی آنرا بصورت Phraortes ضبط کرده‌اند و در کتیبه‌های پارسی باستان یکی از سرکشانی است که داریوش با او جنگیده است. این واژه در اوستا بنا بر قاعدهٔ زبانشناسی تطبیقی ایرانی  $rt = sh$  به صورت فروشی fravashi ظاهر میگردد و در پهلوئی fravahr و fravar یا fravart میشود. این واژه مرکب است از پیشوند فرا fra و ریشهٔ var. دارمستتر و نریوسنگ این کلمه را هم ریشه با پرور Parvar فارسی بمعنی پروریدن و غذا دادن میدانند. اسپیکل دانشمند آلمانی آنرا از ریشهٔ vaxsh بمعنی وخشیدن و نمو کردن میداند. یوستی var را بمعنی گرویدن و ایمان آوردن دانسته و واژهٔ باور فارسی را از همین ریشه می‌پندارد. برخی دیگر از دانشمندان var را بمعنی برگزیدن و عده‌ای دیگر آنرا بمعنی پوشانیدن و پشتیبانی کردن و پناه دادن میدانند. اما استاد بیلی دانشمند معاصر انگلیسی واژهٔ ورت vart را هم ریشه و شکل کهن واژهٔ گرد gord بمعنی دلیر و جنگاور میداند و عقیده دارد که این موجودات مینوی بخاطر دلیری و وظیفهٔ پهلوئی و جنگجویی که دارند vart یا گرد نامیده شده‌اند. این واژه بنا بر عقیدهٔ وی از ریشهٔ verethra بمعنی دفاع و مقاومت آمده است.



در این نقش برجسته نیوائی شکل فرور بر فراز درخت مقدس دیده میشود (سده نهم پیش از میلاد)

همین کلمه *verethra* است که پس از ترکیب با فعل گن *gan*، و رثرگن *verethragan* یا *verethragna* میدهد که پس از تحول بصورت ورهران *varhrān* و *vāhrān* و واهرام *vāhrām* و بهرام *bahrām* و واهانگن *vahāgen* در زبانهای پهلوی و فارسی و ارمنی نمودار میشود و بهرام همان ایزد جنگ و جنگاوری است، و نام *fravartish* فارسی باستان نیز که بمعنی «گرد بر جسته و عالی مقام» است مؤید این نظر است. این نظرها نقوش برجسته نینوایی که در آنها نقش فرور بیشتر در میدانهای جنگ دیده میشود تأیید می‌کند. گویا تصور فرور با جریان اندیشه‌ها و عقاید مذهبی هند و اروپایی به نینوا راه یافته است.

### ترکیب وجود انسان

در بندهشن بزرگ آمده است که هر مزد انسان را از پنج نیرو آفرید، این پنج نیرو عبارتند از: تن، جان، روان، ادونک، فرور.

بدن جزء مادی است، جان چیزی است که با باد پیوستگی دارد. روان نیروئی است که در بدن بایاری *bōd* (= بو یا احساس) می‌شنود، می‌بیند، سخن می‌گوید و می‌شناسد.

ادونک *advēnak* که در فارسی امروز بصورت آئین و آئینه در آمده است تصویر یا شکل (*forme*) است و مقام آن در کره خورشید است. فرور نیروئی است که از پیش اهورا می‌آید و پس از مرگ بدن باز به پیش او بازمی‌گردد. این بخش بندی با بخش بندی اوستایی اندکی فرق دارد. در آنجا در ترکیب انسان دو قسمت مادی یعنی تن و ادونک و وظیفه‌ای ندارند و انسان از پنج عنصر مینوی: *axv*، دئنه *daēna*، *baodha*، اورون *urvan* و فروشی *fravashi* ترکیب یافته است. بهنگام تولد کودک این چند نیرو بهم می‌آمیزند و وقتی که انسان بر اثر اعمال اهریمن و پیروزی او می‌میرد، تن بخاک باز میگردد، جان بیاد میرود، شکل به خورشید باز میگردد، اما روان اگر متعلق به انسانی پرهیزکار باشد به فرور می‌پیوندد و بجهان مینو باز میگردد، اما اگر متعلق به مردی ناپرهیزکار باشد، یک‌چند در عوالم برزخی تصفیه میشود و خود را از آلودگی‌های اهریمنی میرهاند و باز بسوی عالم مینو میرود.



در این مجموعه پنج گانه جزء اصلی و ایزدی همان فروراست که موجب رشد و نمو کودک میشود و او را نگهبانی می‌کند.

بنابر عقاید ایرانی زندگی می‌بایستی جاویدان باشد، و در روزگاری هم که فرمانروایی جهان با مزدا بوده و اهریمن توانائی مقاومت باوی را نداشته است، زندگی مادی جاودانی بوده و انسان در مرحله زرین زندگی سیر میکرده است و اگر انسان میمرد، برای آنستکه هنوز اهریمن ناتوان نشده است و مرگ یکی از آثار اوست و روزی فرا خواهد رسید که انسان باز بے مرگ خواهد گشت.

هنگامی که اهریمن بر یک انسان زنده پیروز میشود و او را باستان مرگ می‌برد، فرور از بدن می‌گسلد، ولی چون باشیان زمینی خود دلبسته است سه روز در بالای خانه پرواز می‌کند و با مداد روز سوم به عالم مینو پرواز می‌کند. بنابراین انسان زنده وقتی بوجود می‌آید که یک فرور با اصطلاح پهلوی دارای ظاهر گیتیکیه یا ظاهر مادی شود و تولد کودک حادثه تازه‌ای نیست بلکه امری است که هر مزد در ابتدای خلقت آنرا تصور کرده است. یک فرور سه مرحله وجودی دارد مرحله پیش‌هستی یا *pré-existence*، زندگی زمینی یا *co-existence* و زندگی پسین یا *future existence*. فرورها در هر یک از این سه دوران وظایفی دارند در هنگام پیش‌هستی در کارگرداندن جهان سهیم‌اند. هنگامی که بر زمین می‌آیند با روان همراه میشوند و آنرا رهنمایی می‌کنند زیرا روان در عین اینکه مینوی است جنبه مادی هم دارد و واسطه بین کالبد و اشراق الهی است و با حواس و احساس‌های انسان بستگی دارد و ممکن است تحت تأثیر آنها براه خطا رود و فاسد شود. فرورها توسط بوی *baodha* یا شعور، روان را رهنمایی می‌کنند و روان مرد عاقل و پرهیزکار این رهنمایی را می‌پذیرد.

### وظیفه و نیروی فرورها

فرورها همزادان و با اصطلاح «من» آنها در عالم بالا هستند و تمام آنها از فروران نخستین تا انسان آخرین که سوشیانت است برای جنگ علیه اهریمن و متابعان او بر زمین فرود



در این نقش نینوائی آسور نازورپال در میدان جنگ دیده میشود بر فراز سر سپاه وی موجودی مینوی  
تیر و کمان در دست دارد و وی را یاری می‌کند (سدهٔ نهم پیش از میلاد)

می آیند و وظیفه اصلی آنان نگاهبانی و محافظت و جنگ و ستیز برای از میان بردن عوامل اهریمنی است .

اینان نگاهبان آسمانند ، از فر و شکوه فرورهاست که ماه و خورشید و ستارگان در مدارهای خود حرکت می کنند ، هفتورنگ یا خرس مهتر (= دب اکبر) را اینان پاسبانی می کنند ، زمین را اینان حفظ می کنند ، دریای فراخکرت و دریای و ثور و کش vourukash را ۹۹۹۹۹ فرور پاسبانی می کند . رود بزرگ اردویسور را اینان بچریان می اندازند . نطفه زرتشت را در دریاچه هامون ۹۹۹۹۹ فرور نگاهداری می کنند تا در هزاره های آخر زمان دوشیزگانی در آب هامون آبتنی کنند و هوشیدر و هوشیدر ماه و سوشیانت مهدیان موعود زرتشتی از بطن آنان و نطفه زرتشت متولد گردند . پیکر خفته گرشاسپ را همین فرورها نگاهبانی می کنند ، نگهبان کشور ایران اینانند . فرور باریدن باران ، روئیدن گیاهها و بادها را که ابرها را میرانند به نیروی آنان است . اینان در شکم مادران کودکان را حفظ می کنند و وضع حمل را آسان می سازند و مواد خوراکی را در درون انسان به نیرو تبدیل می کنند و انسان را می پروراند . در جنگ های سخت و در سختی ها هنگامی که مردمان پرهیزکار آنان را بطلبند ، بسرعت خیال فرامیرسند و چالال و مهیب هستند و سلاح و سپر فلزی و درفش برافراشته دارند و از هیچ چیز آسیب نمی بینند .

معمولاً فرورهای مردم زنده قوی تر از فرورهای درگذشتگان هستند و نیز فرورهای پاکان و مقدسان نیرومندتر از فرورهای دیگر هستند . در فروردین یشت فرورها با پیکر انسانی توصیف شده و خوب چشم و تند نظر و شنوا و بلند بالا و تیز پرواز هستند و گویا از روی همین توصیف اوستایی است که اینان در نقوش برجسته ایران کهن و آسور و سومر و هیتی و میتانی بشکل انسانی بالدار کنده گری شده اند . از فروردین یشت چنین برمی آید که تمام موجودات جهان مادی از حیوان و نبات تا سنگهای معدنی همه دارای فرور هستند و فرورها دونوع اند : فرور انسان و فرور غیرانسان . ولی اشیاء مصنوع فرور ندارند . درخت دارای فرور است ولی میز که مصنوع است فرور ندارد .

## همزاد آسمانی و آل

اعتقاد به همزاد آسمانی از زمانهای بسیار کهن نزد بسیاری از ملت ها وجود داشته است. همزاد در فولکلور ایرانی نقش مهمی دارد و بهنگام تولد کودک باوی همراه است و در زندگی نیز او را راهنائی می کند و پشتیبان اوست. عقیده به همزاد با عقیده کهن ایرانی و اعتقاد به فرورها بستگی دارد و ادامه همین تصور است. آل که در عقاید عامیانه بهنگام زایمان زنان پدیدار میشود و گاهی کودک و گاه مادر را میبرد از همین عقیده ایران کهن به فرور سرچشمه گرفته و تصور فرور بخاطر راز آمیز بودنش رفته رفته جنبه ترس آوری بخود گرفته است و این فرض از نظر قواعد زبانشناسی نیز قابل توجیه است. ایرانیان قدیم فرور را بنام artāy fravashi یعنی فروشی مقدس یا فرور مقدس می نامیدند و در کتب متأخر زرتشتی این صفت و موصوف همواره باهم آمده اند و در اثر تحول زبان و خط بصورت کلمه مرکب اردای فروش ardāy forush استعمال میشوند و با حذف موصوف. صفت ardāy به تنهائی باقی مانده و واژه اردا ardā بنا بر قواعد زبانشناسی ایرانی میتواند تبدیل به آل ā شود.

## تصور همزاد در ملل دیگر

تصور فرور در میان اقوام مختلف وجود دارد.

یونانیان قدیم معتقد به وجود ideas یا idée بودند که اساس آن را در فلسفه مثل افلاطونی میتوان یافت. برخی از خاورشناسان عقیده به مثال را در فلسفه یونانی اقتباس از فلسفه فرورها در عقاید مذهبی ایرانی میدانند.

در اساطیر رومی ژنیوس ها genius موجوداتی هستند که مظهر وجود مینوی انسان هستند و بهنگام تولد کودک بوجود می آیند و وظیفه اصلی آنها نگهداری انسان در هنگام زندگی است و نیز نوادگان را نگهداری می کنند و بهنگام عروسی حضور دارند و موجب باروری میگردند. رومیان به ژنی خود و ژنی دیگران سوگند میخورند و ژنی امپراتور نیرومندترین ژنی ها بود و حتی خدایان نیز دارای ژنی بودند. پرستش و نیایش این ژنی ها عبارت بود از فدیة شراب و گل و شیرینی و بخور.

رفته رفته اعتقاد رومیان به genius با پرستش مانس manes آمیخته گشت . مانس ها بنا بر عقیده رومیان ارواح درگذشتگان هستند که میتوان همواره آنها را با تقدیمی فدیه خوشنود ساخت . ستایش آنان عبارت بود از تقدیم شیر ، عسل ، شراب و گُل با آنان . ده روز پس از مرگ هر کسی تشریفاتی برپا میکردند و غذاهای مخصوصی تقدیم مانس درگذشته میکردند . جشنی که برای او برپا میساختند روزاریا rosaria نام داشت که در آن جشن گل سرخ یا بنفشه برگور درگذشته نثار میکردند . جشن دیگر که پارتالیا parentalia نامیده میشد در اواخر ماه فوریه برپا میشد و مدت ده روز بطول می انجامید و تمام شهر در آن شرکت میکردند .

بنابعد عقیده هندیان کهن پیترا piter در آسمان سوم زندگی میکردند . کلمه پیترا معادل است با واژه پدر در فارسی . جایگاه اینان که در جنوب واقع شده است pitrloka نام دارد . پیترا در جشن های خدایان شرکت می کنند و با ایندرا indra و خدایان دیگر در گردونه آسمانی سوار میشوند . اینانند که آسمان را ستاره نشان میکنند و روشنائی و تاریکی بوجود می آورند . هزاران تن از آنها در ضیافت های مذهبی بر زمین فرود می آیند و از آنها خواسته میشود که ثروت و فراوانی و زندگی دراز بفرزندانشان ببخشند و ببازماندگان خود یاری کنند .

مصریان کهن نیز به همزاد عقیده داشتند و آنرا ka مینامیدند . مصریان ابتدا تصور میکردند که فقط پادشاهان دارای ka هستند ولی بعدها همه انسان ها دارای ka شدند .

پاترن patterns ها یا نمونه هائی که در تورات آمده است نیز با عقاید ایرانیان شباهت دارد . در تورات آمده است که خداوند نمونه و مثال tabernacle یا خیمه ای را که میل داشت فرزندان اسرائیل بسازند پس از خروج قوم یهود از مصر در بیابان به موسی نشان داد .

اقوام سومری و آشوری نیز به موجودی مینوی که در جنگ‌هایار و پشتیبان سپاهیان است اعتقاد داشتند و در نقوش برجسته و مهرهای آنها مظهر این موجود نقش شده است. این مظهر گاهی بشکل انسانی بالدار کشیده شده که در آسمان بر فراز سپاه پرواز میکند و گمانی در دست دارد و تیری بسوی سپاه دشمن می‌افکند؛ گاه نیز فقط بشکل قرص بالدار است و در این صورت بیشتر به نقوش مصری شبیه میشود.

### تصویر فرور

در نقوش برجسته هخامنشی اغلب بر فراز صحنه‌های نمایشی، انسانی بالدار نقش شده است. این شکل گاهی بشکل نیم تنه بالدار است؛ گاهی هم بشکل قرص بالدار ظاهر میشود. قرص بالدار بیشتر جنبه تزیینی دارد و شاید اقتباس از ملت‌های مجاور باشد ولی هنگامیکه بصورت نیم تنه بالدار بر فراز همین قرص‌های تزیینی پدیدار میشود نمودار اندیشه‌های مذهبی قومی است. بکار رفتن این نقش در نزد هیتیان و میتانیان که از ملت‌های کهن هند و اروپائی و از شاخه‌های هند و ایرانی هستند؛ و نیز عقیده هند و اروپائیان به همزاد آسمانی و فروردین‌یشت اوستا و توصیفی که در آن از فرورها شده است، نظریه هند و اروپائی چون این نقش را از نظر تصویرشناسی تأیید می‌کند.

بسیاری از مستشرقان این نقش را نقش اهورا مزدا می‌دانند. ولی چون نه در اوستا و نه در کتیبه‌های پارسی باستان اهورا مزدا بصورت یک انسان توصیف نشده و یک تصور مجرد *abstrait* آمده است از اینرو این شکل نمیتواند بمیل اهورا مزدا باشد و خود نیم تنه انسانی این شکل میرساند که این شکل میبایستی همزاد آسمانی انسان باشد و چون این همزاد یا مثال چنانکه فروغی از خود اهورا و تجلی خود اوستا؛ دارای قدرت و نیروی مافوق انسانی خواهد بود. بنابراین آنچه که در بالای در داریوش پرگشوده است مثال خود اوست که نیروئی از مثال تمام جهان و خود اهورا را هم در بر دارد و از داریوش پشتیبانی می‌کند. در تأیید این نظر باید بخاطر داشت که شاهنشاهان هخامنشی و ساسانی همه خویشتن را برگزیده خدا امیدانستند که برای نجات ملت فرستاده شده‌اند و این از سنگ‌نوشته‌های



مهر استوانه‌های دار یوش بزرگ که درسوی چپ آن به سه زبان فارسی، باستان، ایلاتی و بابلی نوشته شده است «منم داریوش شاه»  
(در حدود ۵۰۰ پیش از میلاد) - موزه بریتانیا

متعدد نژادمانشیان و ساسانیان پیداست. شاهان ساسانی بنا بر سنت های مذهبی کهن خویشان را از نژاد ایران میدانستند: «شاپور شاهنشاه که چهار از یزدان دارد»<sup>۱</sup>.

معتقدات زرتشتیان امروزی را نیز نباید از نظر دور داشت. اینان که آداب و سنت ها و روایات خویش را پدر در پسر بخوبی حفظ کرده اند. این نقش بالدار را، نقش فروهر میدانند. اگر چنین بپنداریم که این نقش سمبل فرور اهوراست که شامل فرورهای دیگر از جمله فرور خود شاهنشاه نیز میشود، میتوانیم عقیده مستشرقان و زرتشتیان را بهم نزدیک سازیم.

### فروردین ماه و فرورها

فرورهای نیاکان بهنگام گاهانبار همسپتدم یعنی در ۵ روز آخر سال که اهورا آنها را خلق کرده است، بر زمین فرود می آیند و از همین روست که گیاه میروید و شکوفه و گل و برگ بر شاخه ها پدیدار میشود. پنج روز آخر سال پارسی از روز اشتاد یعنی روز بیست و شش اسفندماه است تا روز و هیشتاویشت و این پنج روز را روزهای گاسانیک مینامند و مخصوص یادآوری درگذشتگان است. در این روزها فرورها درشادی و خوشی خانواده شریک میشوند و مدت ده روز مهمان خانواده خود هستند. اینان هیچگاه خاندان خود را فراموش نمی کنند و علاوه بر آنکه هرگاه فراخوانده شوند بیاری خانواده می شتابند سالی یکبار نیز بطور جمع بر زمین می آیند. در این روزها باید خانه پاک باشد. در خانه خاندان باید صلح و صفا برقرار باشد و ازینرو همه افراد خانواده باید در هنگام عید در آشتی و صلح باشند زیرا اگر چنین نباشد و خانه پرانده و غم باشد، مهمانان آسمانی دیری در آن خانه نمی پایند و ناخشنود از خاندان میروند و برکت از خانواده بریده میشود.

### فروردین یشت

در اوستا یشت سیزدهم مخصوص فرورهاست و فروردین یشت خوانده میشود. این یشت بسیار کهن به دو بخش تقسیم میشود. در بخش اول از کرده ۱ تا ۲۵ فرورهای



پرهیزکاران بعنوان نیروهای نگاهبان موجودات ستایش میشوند. « اهورا مزدا به اسپتیمان زرتشت گفت اینک ترا برستی ای اسپتیمان از زور و نیرو و فرویاری و پشتیبانی و فروهرهای توانای پیروزمند پاکان آگاه سازم که چگونه فروهرهای توانای پاکان بیاری من آمدند و چگونه مرا یاری کردند .

از فروغ و فرآنان است ای زرتشت که من آسمان را در بالا نگاه میدارم که از فراز نور افشانند ...

از فروغ و فرآنان است ای زرتشت که من زمین فراخ اهورا آفریده را نگاه میدارم. اگر فروهرهای توانای پاکان مرا یاری نمیکردند ، دروغ نیرو می گرفت ، دروغ فرمانروا میشد ، جهان مادی از آن دروغ میگردید .

از فروغ و فرآنان است که زنان بفرزندان بارور شوند .

از فروغ و فرآنان است که آنان باسانی زاینند ... »<sup>۱</sup>

در کرده های ۲۶ تا ۳۹ و ۴۵ تا ۴۸ از آنها بعنوان جنگجویان نیرومند و سهمناکی

یاد میشود که بخاطر خاندان و مین خود می جنگند :

« در صنف رزم برای محل و منزل خویش می جنگند ، در آنجایی که هریک آشیان و خانه داشته اند ، آنچنان که گوئی مردی دلیر سلاح بکمر بسته از ثروت فراهم آورده خویش مدافعه می کند . »

در کرده های ۴۲ تا ۴۴ ، ۵۲ تا ۵۸ ، ۶۴ تا ۶۸ همچون نیکو کارانی ستایش میشوند

که به سرزمین ها باران میفرستند و گیاهان را میرویانند .

در بخش دوم فرورهای قهرمانان مزدائی از کیومرث نخستین آدم تا سوشیانت

پسین آدم برشمرده میشوند و فرور آنان ستایش میشود . در این بخش فرورهای نیکان

سرزمین های دیگر و فرور زنان مقدس مزدائی نیز ستایش میشود :

« فروهر پاکدین ایسدواستر پسر زرتشت را میستایم و فروهر پاکدین اروتدتر

پسر زرتشت را میستایم و فروهر پاکدین خورشید چهر پسر زرتشت را میستایم ...»

### نام گرهن

چون در هنگام جشن فروردین و در هنگام های دیگر سال باید فرورهای درگذشتگان را بیاد آورد و از آنان یاری طلبید، از اینرو در ایران کهن رسم بر این بود که در هر خاندانی دفتری داشتند که نام درگذشتگان را در آن می نوشتند و این نسب نامه برای آن بود که از روی آن نام تمام درگذشتگان در مراسم مذهبی یاد شود و به فرور آنها درود فرستاده شود. این دفتر را پارسیان نام گرهن *nām grahan* می نامند. واژه *grahan* با گرفتن فارسی و *greifen* آلمانی هم ریشه است و نام گرهن بمعنی نگاهدارنده و حفظ کننده نام است. چنین دفتری در خانواده های زردشتی ایران نیز وجود دارد و آنرا دفتر «آمرزش روان» می نامند.

### جشن فروردین و مهرگان

چنین بنظر میرسد که جشن فروردین جشن دینی ایران شمالی بوده است که مهد آئین زرتشت است و آداب و رسوم اوستائی در آنجا بیشتر رایج بوده است. ایرانیان شمالی این جشن را بیاد درگذشتگان خود و بنا بر عقیده ای که به فرورها و نزول نخستین فرور در روزهای همپسند داشتند، برگزار میکردند. اما ایرانیان جنوبی یعنی هخامنشیان جشن اول سال را در مهرماه می گرفتند و آنرا فعکان مینامیدند. کلمه سال در فارسی که بعنوان واحد زمانی بکار رفته است مشتق است از کلمه *sareda* سرد ایرانی کهن بمعنی سرد و از اینرو آغاز آن ابتدای فصل سرد یعنی مهرماه بوده است و نیز بهمین جهت است که نوروز در لهجه های میانه ایرانی نوسرد *nōsard* و درارمنی *nava sarda* گفته میشود. گویا در دوران ساسانیان که خود جنوبی بودند ولی به سنت های شمالی و اوستایی بیشتر علاقه داشتند، جشن دینی فروردین در ناحیه جنوبی ایران زمین بزرگ رونق و شکوه یافت.

### مراسم نوروزی

چون جشن فروردین در ایران هنوز برپا میشود، همگان کم و بیش از مراسم آن آگاهند و در اینجا فقط بذکر آئین پارسیان در هنگام جشن فروردین اشاره میشود. در خانواده‌های پارسی برای جشن فروردین خانه را تمیز و دیوارها را سفید می‌کنند و اگر نتوانند همه اطاق‌های خانه را سفید کنند حتماً اطاقی را که در آن مراسم نوروزی برپا میشود سفید می‌کنند و می‌آریند و بر روی میزی کوزه آب و گلدان گل و ظرفی از آتش می‌گذارند و آتش را با چوب صندل و چوب‌های خوشبو نیرو میدهند و هرکس می‌بایستی با دست خود چوب بر آتش بگذارد و نام درگذشتگان خانواده را برشمارد. گاهی برای هر یک از کسانی که بتازگی درگذشته باشند یک گلدان گل در اطاق مخصوص فروردین می‌گذارند و این یادآور رسم قدیم rosaria در روم قدیم است که ذکر آن گذشت. آنکتیل دوپرون Anquetil du Perron مینویسد که در زمان وی پارسیان بهنگام نوروز از خانه بیرون نمی‌رفتند زیرا رفتن صاحب خانه موجب ناخشنودی مهبانان آسمانی میشد. در لرستان شب پیش از عید یاد درگذشتگان می‌کنند و برای شادی روح آنان حلوا می‌پزند و در هنگام پختن آن برای هر درگذشته یک مشت آرد در روغن میریزند و این یادآور رسم نام‌گرهن قدیمی است. مردم شهریار معتقدند که در شب آخر سال ارواح درگذشتگان به خانه‌های خود باز می‌گردند و اگر چراغ فرزندان روشن باشد شاد می‌گردند، از این رو بهنگام جشن سال نو پیش از تاریک شدن هوا چراغ می‌افروزند.

### چهارشنبه سوری

مردم ایران کهن پیش از فرارسیدن هر جشن مذهبی با تشکده‌ها روی می‌آوردند و به نیایش می‌پرداختند. زیرا آتش در دین ایران قدیم مقدس بود و از نظر مقام بمنزله فرزند آهورا محسوب میشد. بنابراین پیش از جشن نوروز مخصوصاً می‌بایستی به آتشکده رفت. اما افروختن آتش در چهارشنبه شب مسلماً سالها پس از آغاز دوره اسلامی در ایران رایج

گشته است زیرا در ایران قدیم هفته نبوده است و برای ایام هفته نامی نداشته اند. اما رسم آتش افروزی پیش از عید بسیار کهن است و حتی مربوط به زمانهای پیش از زرتشت و دورانهای هند و اروپایی است.

واژه سوری فارسی صفت پهلوی سوریک sūrīk است ik پسوند نسبت است و sūr بمعنی سرخ است و در زبان فارسی گل سوری بمعنی گل سرخ از همین ریشه است و این چهارشنبه را از آن جهت سوری گفته اند که در آن آتش سرخ افروخته میشد. این آتش در هنگام ساسانیان گویا در شب آغاز همسپندم یعنی ششم اسفندماه افروخته میشده است و شاید از اینرو بوده است که فرورها از دیدن دود آتش، جایگاه و باصطلاح دودمان خویش را بازشناسند و بدانسوی پرواز کنند. فرور در گذشته چنانکه گذشت وابسته به دودمان است و واژه دودمان از کلمه دود مشتق شده است، یعنی مان و جا و مکان دود و آتش و واژه فرانسوی Foyer نیز که بمعنی خانه و خانواده استعمال میشود یادگار ریشه کهن هند و اروپایی است و با Feu بمعنی آتش هم ریشه است.

آتش افروزی پیش از نوروز و مخصوصاً آتش افروزی بر روی بامها که در ایران کهن مرسوم بوده و امروز نیز در روستاها معمول است گویا برای راهنمایی فرورها بسوی دودمان هاست، تا دودمان خویش را بازشناسند و ده روز در میان فرزندان خویش بسر برند.

### کجاوه بازی و شال اندازی

در آذربایجان رسم کجاوه اندازی و در روستاهای نزدیک تهران رسم شال اندازی در شب های نزدیک عید و در شب چهارشنبه سوری یک سمبولیسم نیاز و فدیه به فرورهاست و آن چنین است که در این شب ها در آذربایجان جعبه های کوچکی با کاغذهای رنگین بشکل کجاوه میسازند و ریشمانی بآن می بندند و جوانان بر بام خانه ها می روند و کجاوه را از کنار پنجره ها می آویزند و صاحب خانه شیرینی و خشکباری را که قبلاً برای این منظور تهیه کرده است در کجاوه ها می ریزد و صاحب کجاوه آنرا فرامی کشد.

در رسم شال اندازان ، جوانان شالهای خود را فرومی اندازند و صاحب خانه شیرینی و گاه پیراهن و دستمال و غیره در آن می پیچد و گره می زند . کسانی که شال یا کجاوه می اندازند همیشه نامرئی هستند و نبایستی شناخته شوند . این رسم یادآور رسمی است که در دوران زندگی ابوریحان بیرونی نیز مرسوم بوده است . وی می نویسد که مردم بهنگام فروردگان برای پذیرائی از ارواح بر بام خانه غذا می گذاشتند <sup>۱</sup>.



کتابهایی که در این گفتار از آنها سود جستهام :

۱ - یشتها ، تفسیر پور داود ، بمبئی ۱۹۲۸

- 2- Zurvan by R. C. Zaehner, Oxford 1955.
- 3- La religion de l' Iran ancien par J. Duchesne- Guillemin  
Perses Universitaires, Paris 1962.
- 4- Iranisches Namenbuch von F. Justi, Hildesheim 1963.
- 5- Old Persian by R. Kent, New Haven 1953.
- 6- The Religious ceremonies and customs of the Parsees, by  
J. J. Modi, Bombay 1922.
- 7- Le Zend-avesta par J. Darmesteter, Paris 1893.
- 8- History of Zoroastrianism by Dhalla, Cama Oriental Ins-  
titute, 1963.
- 9- Gultes, Mythe et Cosmologie dans l' Iran ancien par M.  
Molé, Presses Universitaires, Paris 1963.
- 10- The down and twilight of Zoroastrianism by Zaehner, put-  
nam's Sons, New-York.
- 11- Dictionnaire illustré de la Mythologie et des Antiquités  
grecques et romaines par P. Lavedan, Hachette, Paris 1931.
- 12- Dictionnaire de la Mythologie grecque et romaine par P.  
Grimal, Presses Universitaires, Paris 1958.